

درس **ششم** عربی یازدهم تجربی و ریاضی

و درس **ششم** یازدهم انسانی

ترجمة الفعل المضارع (٢)

مدرس : ابوالفضل مظهری ۰۹۱۱۳۷۶۷۳۰۶

فعل مضارع مجزوم

اگر قبل از فعل مضارع یکی از حروف جازمه : (لَمْ ، لَمَّا ، لِبِ «امر»

، «ی نهی») یا یکی از ادات شرط (اِنْ : اگر) (مَنْ : هر کس)

(ما : هر چیز) (اَيْنَمَا : هر جا) (مَهْمَا : هر طور) و ... یا یک فعل

طلبی (فعل امر ، فعل نهی) بیاید ؛ فعل مضارع مجزوم می شود و نشانه

مجزوم شدن آن یا با تبدیل ضمه به ساکن است یا با حذف نون

(بجز صیغه های جمع مؤنث) .

حروف جازمه
 فعل طلبی + فعل مضارع
 اداه شرط + مجزوم

حذف ن : بجز صیغه‌های ۶ و ۱۲ در بقیه صیغه‌ها
 --- ُ در صیغه‌های ۱ و ۴ و ۷ و ۱۳ و ۱۴

حروف جازمه : حروفی هستند که بر سر فعل مضارع می‌آیند و باعث

می‌شوند فعل مضارع مجزوم شود . این حروف فقط یک فعل مضارع را

مجزوم می‌کنند .

لَمْ و لَمَّا - لام امر و لای نهی

فعل را مجزوم نمایند یا بُنَى

✓ يَكْتُبُ (می نویسد) --- « لَمْ يَكْتُبْ (ننوشت ، نوشته است)

✓ تَحْزَنُ (اندوهگین می شوی) --- « لَا تَحْزَنُ (اندوهگین مباش)

لَا يَغْتَابُ بَعْضُكُم بَعْضًا .

نباید برخی از شما غیبت برخی دیگر را بنمایند .

نکته) در ترجمه‌ی نهی غائب و متکلم از فرمول روبرو استفاده کنید : (نباید ب)

✓ يُنْفِقُ (انفاق می کند) --- « لِيُنْفِقُ (باید انفاق کند)

نکته (فعل مضارع مجزوم به (لَمْ) را می‌توان به صورت ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی ترجمه کرد .

لَمْ + فعل مضارع مجزوم = ماضی منفی یا ماضی نقلی منفی = ما + فعل ماضی

يَذْهَبُ (می رود) --- « لَمْ يَذْهَبْ (نرفت / نرفته است)

ذَهَبَ (رفت) --- « ما ذَهَبَ (نرفت / نرفته است)

نکته (فعل مضارع مجزوم به (لَمَّا) را می‌توان به صورت ماضی نقلی منفی ترجمه کرد .

لَمَّا + فعل مضارع مجزوم = ماضی نقلی منفی (... ن + بن ماضی + ه + فعل ربطی)

هَؤُلَاءِ الطَّلَابُ لَمَّا يُهْمِلُوا فِي أَدَائِهِمْ حَتَّى الْآنَ .

این دانش آموزان تاکنون در انجام تکلیفشان **کوتاهی نکرده‌اند** .

نکته (فعل امر به لام را از صیغه غایب و دو صیغه متکلم به شکل زیر می‌سازیم .

—^و «--- —^ء }
۱- مجزوم کردن فعل مضارع
ن~~---~~ «--- ن بجز صیغه‌های ۶

۲- افزودن (لِ) به اول فعل مضارع مجزوم

امر به لام = لِ + فعل مضارع مجزوم - Translate --- « امر التزامی (باید ... ب ...)

يَذْهَبُ (می رود) --- « لِيَذْهَبُ (باید برود)

لِنُسَاعِدِ مَظْلُومِي الْعَالَمِ .
باید به مظلومان دنیا کمک کنیم .

نکته) اگر لام امر (ل) بعد از مروف عطف (وَ - فَ - ثُمَّ) بیاید ، حرکتش تبدیل به ساکن می گردد .

يَعْبُدُونَ (عبادت می کنند) فَلْيَعْبُدُوا : پس **باید عبادت کنند** .

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ .

پس **باید** صاحب (پروردگار) این خانه را **عبادت کنند** .

نکته ۹) لای بعد از حروف ناصبه ، **لای نفی** است . در این حالت فعل موجود را به صورت **مضارع منفی التزامی** ترجمه می‌کنیم .

حرف ناصبه + لای نفی + فعل مضارع منصوب

عَلَيْنَا أَنْ لَا نُؤَخِّرَ قِرَاءَةَ دَرُوسِنَا .

ما باید خواندن درس‌هایمان را به تأخیر **نیندازیم** .

جمع بندی انواع ل

(۱) ل « در وسط جمله » + مضارع = معمولاً حرف ناصبه اجتهدنا **لِنَنْجَحَ** فِي الإِمْتِحَانِ .
گاهی اوّل جمله

تلاش کردیم تا در امتحان **قبول شویم** .

توجه خیلی خیلی مهم :

در این حالت باید (ل + مضارع منصوب) علّت وقوع قبل از خود

را بیان نماید . پس باید دو فعل در جمله باشد ، و فعلی که همراه

حرف « لـ » ذکر شده ، باید علّت انجام آن فعل دیگر را بیان کند .

(۲) لـ « در اول جمله » + مضارع = معمولاً حرف جازمه «لام أمر» **لِنَجْتَهِدُ** فِي دَرُوسِنَا .

باید در درس هایمان تلاش کنیم .

(۳) فـ + لُ « در هر جای جمله » + مضارع : حرف جازمه «لام أم» جَاءَ الْمُعَلِّمُ **فَلِنَذْهَبُ** إِلَى الصَّفِّ .

معلم آمد پس باید به کلاس برویم .

(۴) مشتقات (قَالَ - سَأَلَ - أَجَابَ) + فعل مضارع مجزوم : معمولاً حرف جازمه «لام أمر»

قَالَ الْمُعَلِّمُ : **لِنَذْهَبُ** إِلَى الصَّفِّ . معلم گفت : **باید** به کلاس برویم .

(۵) ل + اسم مجرور : حرف جر **لِلَّهِ** الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ .

مشرق و مغرب فقط از آن خداست .

دقت کنید که مصدرها اسم هستند پس مراقب باشید مصدرها را با فعلها اشتباه نگیرید .
إِجْتَهَدْنَا كَثِيرًا لِتَحْقُقِ أَهْدَانَا .

برای تحقق هدف‌هایمان بسیار تلاش کردیم .

رَجَعْنَا إِلَى الْبَيْتِ لِتَنَاوُلِ الطَّعَامِ . برای خوردن غذا به خانه برگشتیم .

البته این قواعد کلی و همیشگی نیستند و بهتر است علاوه بر دانستن موارد فوق ، به ترجمه‌ی عبارت نیز توجه داشته باشیم .

نکته‌ی (حرف « لِ » بر سر ضمیرها به « لَ » تبدیل می‌شود؛ مثال:

لَهُ ، لَهَا ، لَهُمْ ، لِهِنَّ ، لَهُمَا ، لَكَ ، لِكِ ، لَكُمْ ، لَكُنَّ ، لَكُمَا ، لَنَا .

البته در « لِي » این گونه نیست.

در ترجمه‌ی حرف (لِ) دَقَّتْ کُنید .

۱- « لِ » بر سر اسم وارد شود:

« لِ » به معنای « مال ، از آن » مانند « لِمَنْ تِلْكَ الشَّرِيحَةُ ؟ » ؛ یعنی « آن سیم کارت **مال** کیست ؟ »

« لِ » به معنای « برای » مانند « اِشْتَرَيْتُ حَقِيْبَةً لِلسَّفَرِ » ؛ یعنی « چمدانی **برای** سفر خریدم ».

« لِ » به معنای « داشتن » مانند « لِي شَهَادَةٌ فِي الْحَاسِبِ » ؛ یعنی « مدرک رایانه **دارم** ».

اسم یا ضمیر : داشتن

{ لِ }
عند

۲. « لَ » بر سر فعل وارد شود:

((لَ)) به معنای ((باید)) :

لِنَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ .

باید به خدا توکل کنیم .

((لَ)) به معنای ((تا)) :

ذَهَبْتُ إِلَى الْمَتَجِرِ لِأَشْتَرِيَ بَطَّارِيَّةً لِحَوَالِي .

به مغازه رفتم تا برای تلفن همراهم یک باتری بخرم .